

شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی مشهور به کلینی، شیخ کلینی، ثقه الاسلام کلینی صاحب کتاب الکافی، یکی از کتب اربعه و معروف ترین فقیه و محدث شیعه است.

وی در حدود سال ۲۵۵ ه.ق. مقارن با آخرین سال‌های حیات امام حسن عسکری (ع) متولد شد و زندگی خود را که در سال ۳۲۹ ه.ق. پایان یافت در دوران غیبت صغری گذراند.

محمد بن یعقوب پس از تلمذ در محضر پدر و دایی خود «علاء کلینی رازی» که از محدثین بزرگ بود با منابع علم حدیث و رجال آشنا شد و پس از چندی برای کسب معرفت به شهر ری هجرت کرد. ری که در آن روزگار قلب ایران محسوب می‌شد، به نقطه برخورد آراء و نظرات فرقه‌هایی چون اسماعیلیه و مذهبیه چون شافعی، حنفی و شیعی مبدل شده بود. کلینی در ضمن آشنایی با عقاید و نظرات مذاهب و گرایش‌های مختلف به ماهیت برخی از حرکت‌هایی که در صدد بودند هم تشیع را از مسیر خود منحرف کنند و هم آن را با صورتی تحریف‌شده معرفی کنند، پی برد و راه گردآوری و ثبت کلام معصومین را برای مقابله با این حرکت‌ها در پیش گرفت. در این زمان برخی شاگردان امام هادی (ع)، امام حسن عسکری (ع) و امام رضا (ع) هنوز در قید حیات بودند. اما از آن‌ها جز مکتوباتی پراکنده در دست نبود. شیخ کلینی با درک خطر نابودی احادیث، با وفات این حاملان احادیث به قم و بسیاری شهرهای دیگر از جمله کوفه سفر کرد و در هر شهر به عالمان حدیث رجوع کرد. وی محضر استادان بزرگی چون ابوالحسن محمد بن اسدی کوفی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، احمد بن ادریس قمی، عبدالله بن جعفر حمیری (مؤلف کتاب قُرب الاسناد) و فرزند او محمد بن عبدالله، علی بن ابراهیم قمی صاحب تفسیر قمی و بسیاری دیگر از عالمان علم رجال و حدیث را درک کرد.

کلینی پس از کسب علم و حدیث از ده‌ها استاد و محدث در شهرها و روستاهای آن زمان، سرانجام تقریباً دو سال پیش از وفاتش به بغداد رسید. او در مسافرت‌های خویش چنان علم و فضل خود را به نمایش گذاشته و تصویری از شیعه واقعی را در اذهان مردم هر دیار به یادگار گذاشته بود که هنگام ورود به بغداد فردی گمنام نبود. شیعیان به او افتخار می‌کردند و اهل سنت به دیده تحسین به او می‌نگریستند. تقوا، علم و فضیلت او در اندک مدتی موجب شد که هم شیعه و هم اهل سنت در مشکلات دینی به او مراجعه کنند، به طوری که عامه و خاصه در فتاوا به او روی می‌کردند و به همین سبب او اولین کسی بود که به لقب «ثقه الاسلام» شهرت یافت.

حاصل عمر پرمجاهدت و پرتلاش او کتابی است که در علم حدیث همواره بر صدر بوده است. او در دوره‌ای بیست ساله مجموعه کتاب «الکافی» را که شامل اصول کافی (دو جلد)، فروع کافی (پنج جلد) و روضه کافی (یک جلد) است و ۱۶۱۹۹ حدیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام دربردارد، تألیف کرد.

وی به غیر از کتاب کافی تألیفات دیگری نیز داشت که هیچ‌یک از آن‌ها به آیندگان نرسید. کتاب رجال، رد بر قرامطه، رسائل

ائمه (ع)، تعبیر رویا و مجموعه اشعار شعرا در مورد ائمه (ع) از جمله آنها به شمار می‌روند.

شیخ کلینی در مقدمه کافی اشاره کرده است که او کتاب کافی را در پاسخ به درخواست کسی نوشته است که او را برادر دینی می‌نامد:

اما بعدای برادر... پرسیدی که رواست مردم به نادانی بپایند و ندانسته دیندار باشند، چراکه دینداری‌شان از سر عادت و تقلید نیاکان و بزرگان است...

تو یادآور شدی که مسائلی بر تو مشکل شده و به علت اختلاف روایات موجود، حقیقت آن مسائل را نمی‌فهمی... و دسترسی به دانشمند مورد اعتمادی نداری که در این باره، با او مذاکره و گفت‌وگو کنی. گفتم می‌خواهی کتابی داشته باشی کافی که همه فنون علم دین در آن جمع باشد تا متعلم را کفایت کند و ره‌جو را مرجع گردد... گفتمی که امیدوار هستی خدای تعالی به وسیله چنین کتابی هم‌مذهبان ما را دست‌گیری کند و به سوی رهبران خود بکشانند.

خدا را حمد که تألیف کتابی را که خواهش کردید میسر ساخت و امید است چنان باشد که می‌خواستید.

او در واقع با این جملات ویژگی اثر خود را توضیح داده است.

یکی از نکات مورد توجه در کتاب کافی در بستر زمانه خود و در ارتباط با اوضافی که در آن روزگار به تشیع نسبت می‌دادند، توجه به مسأله عقل در تشیع است. این کتاب مشتمل بر کتابهایی است که نخستین کتابش به نام کتاب «عقل و جهل» است، و هر کس روایاتی را که در این زمینه در این کتاب نقل شده ملاحظه کند به عمق بینش اسلام در این باره پی‌می‌برد.

از این رو حجیت عقل نزد شیعه، از نقاط قوت شیعه است، در این میان مرحوم کلینی به برکت حدیث ثقلین در باب اول کتاب کافی، در خصوص حجیت عقل سخن گفته است. این کار مقابله با گروهی است که از غیر پیروان مکتب اهل بیت هستند که حجیت عقل را باطل می‌دانند و می‌گویند عقل را به احکام راهی نیست. مرحوم کلینی کتابش را از عقل و عقلانیت شروع کرد و در مقابل این گروه ایستاد. شیخ با هوشیاری به زمانه خود و آینده‌نگری و دوراندیشی نقطه قوت شیعه را در باب اول کتاب خود قرار داد.

ذکر دو روایت از کتاب ارزشمند کافی خود موید این مدعاست؛ در حدیثی از علی علیه السلام آمده است: جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت من مأمورم که تو را میان یکی از این سه موهبت منخیر کنم، تا یکی را برگزینی، و بقیه را رها کنی، آدم گفت: آنها چیست؟ جبرئیل در پاسخ گفت: «عقل» و «حیاء» و «دین». آدم گفت: من عقل را برگزیدم، جبرئیل به «حیاء» و «دین» گفت او را رها کنید و به دنبال کار خود بروید، گفتند ما مأموریم همه جا با عقل باشیم و از آن جدا نشویم! جبرئیل گفت: حال که چنین است به مأموریت خود عمل کنید، سپس به آسمان صعود کرد! این لطیف‌ترین تعبیری است که ممکن است در باره عقل و خرد، و نسبت آن با «حیا» و «دین» گفته شود، چرا که اگر عقل از دین جدا گردد با اندک چیزی بر باد می‌رود، یا به انحراف کشیده می‌شود، و اما «حیا» که مانع انسان از ارتکاب زشتیها و گناهان است آن نیز ثمره شجره معرفت و عقل و خرد است.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «من کان عاقلاً کان له دین، و من کان له دین دخل الجنة؛ کسی که عاقل باشد دین دارد، و کسی که دین داشته باشد داخل بهشت می‌شود.

در ادامه به چند نقل قول از بزرگان درباره شیخ کلینی و اثر سترگ او اشاره می‌کنیم:

میرداماد در مورد کتاب کافی می نویسد: «کتاب پر محتوایی است که مانند آن نصیب هیچ یک از فقها و علما و عقلا و حکما از زمان تصنیف آن تا کنون نشده است»

ملا محمد تقی مجلسی نیز در مورد شیخ کلینی و کتاب کافی می نویسد: «کلینی در میان تمام دانشمندان ما، و آنان که از او روایت کرده اند، همچنین در نظم و ترتیب کتابش کافی بی نظیر بوده و این مزایا دلیل است که وی از جانب خداوند متعال تأییدات خاصی داشته است» همچنین می گوید حق این است که در میان علمای شیعه مانند کلینی نیامده است و هر کس در اخبار و ترتیب کتاب او دقت کند، درمی یابد که از جانب خداوند مورد تأیید بوده است

مبارک بن اثیر الدین جزری از دانشمندان اهل تسنن و مؤلف کتاب جامع الاصول، وی را مجدد و احیا کننده مذهب شیعه در رأس سده سوم دانسته است

شمس الدین ذهبی از بزرگترین دانشمندان اهل تسنن نیز از وی با عناوین شیخ الشیعه و عالم الامامیه یاد کرده است .

آقا بزرگ تهرانی از بزرگترین تراث شناسان شیعه، می گوید: کافی کتابی است که در نقل حدیث از اهل بیت(ع)، مانند آن نوشته نشده است.